

# ترفندهائی

## در عرصه مناسبات جهانی

ترجمه: قهرمان قدرت نما

بطور کلی سیاستهای تجاری و مالی کشور های پیشرفته در مقابل کشورهای عقب مانده، مانند مسائل مهم سیاسی دیگر، در اصل مسائل اخلاقی اند.

بنابراین مسئله اصلی اینستکه، مردم کشورهای پیشرفته در باره کمک به کشورهای عقب مانده چگونه فکر می کنند و چه احساسی دارند.

در تحلیل نهائی، سیاست های تجاری و اعطای کمک و امکان تغییر اینها در آینده به واکنش های فکری و عاطفی مردم کشور های پیشرفته در هنگام مواجهه با واقعیات کشورهای عقب مانده، و آگاهی آنها نسبت به مسئولیت هایشان در کمک به تغییر این واقعیات، بستگی دارند.

بخصوص در ایالات متحده، عادت شده است که گناه سیاست های ارتجاعی و اولویت های غلط را به گردن کنگره بیندازند. لازم است بگوئیم که در دنیا هیچ مجلس قانونگذاری بی بیشتر از کنگره آمریکا نسبت به نظر مردم حساس نیست. حقیقتی که بخوبی از انتخابات در فواصل کوتاه، سنت انگلوساکسون انتخابات اکثریت در نواحی کوچک، و خصوصیات بیشتر دیگر مربوط به نظام حکومتی ایالات متحده مشهود است.

بنابراین هر موقع که عیب بزرگی دیده می شود، مردم آمریکا نیز باید مقصر شمرده شوند. اینکه اعضای

کنگره و رئیس جمهور و اعضای دولت علاوه بر نمایندگی افکار و عقاید عامه در شکل بخشیدن به این عقاید نقش مهمی دارند، تغییری در حقیقت اصلی نمی دهد. همین موضوع، با تفاوت های در نحوه کار کرد های سیاسی، در مورد سایر کشورهای پیشرفته قرب نیز صادق است.

آنها می که، مانند این نویسنده، می خواهند جهت سیاستها را تغییر دهند، باید با مال، عقاید عامه را تغییر دهند. تحت تاثیر قرار دادن متخصصان و سیاستمداران، هر چقدر که مهم باشد، بطور دراز مدت که نگر بسته شود فقط یک وسیله کمکی است. اثر بخواهیم از روی آرمانها و نتایج منطقی آنها و همچنین واقعیات مسائل را حل کنیم، زمانه وظیفه گسترده تر تغییر عقاید عامه را ندیده بگیریم.

در این مورد ذکر یک حالت کلی ضروری است: در بحث های مربوط به کشورهای عقب مانده، کشورهای پیشرفته نوعی دوگانگی و ریاکاری از خود نشان می دهند. از طرفی مرتب اعلامیه هایی در باره یکپارچگی بین المللی انتشار می یابد، و از تمهد ملل غنی و توسعه یافته در قبال کشورهای عقب مانده و سخاوت در مورد آنها حرف می زند، و از طرفی هیچ عملی صورت نمی گیرد.

این سخن پراکنی ها با اعلامیه های بی نقص منشور ملل متحد، حتی قبل از پایان جنگ دوم،

شروع شد. مقدمه این منشور - و به نام «ما مردم ملل متحد» - دولتهای عضو را متعهد کرده بود که «به پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی مردم در دنیای آزاد پیروز، بپردازند و از «سازمان ها و روابط بین المللی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی تمام مردم» کمک بگیرند. در فصل نهم منشور بنام «همکاری های بین المللی اقتصادی» به این درودنامه (۱) یا مضمون بیشتر پرداخته شد.

بعد از آن اعلامیه های بیایی و غرانی در مورد قول کمک به کشورهای عقب مانده صادر شدند. بر حسب پیشنهاد جان اف. کندی در سال ۱۹۶۱، مجمع عمومی سازمان ملل متحد دهه ۱۹۶۰ را با تفاق آراء «دهه توسعه» نام نهاد و مسئولیت تحقق هدف ها را بطور مساوی بدوش کشورهای پیشرفته و عقب مانده گذاشت.

لیندون بی جانسون بر قلبیه ثونی های سلف خود افزود و خاطر نشان کرد که رویای جامعه بزرگ (۲) باید در مورد تمام دنیا و نه تنها ایالات متحده صادق باشد. و در فواصل این اعلامیه های مهم سیاستمداران کلیه کشورهای پیشرفته هر جا که توانستند به صدور اعلامیه های ترفانه و بانه پرداختند. دفاتر سازمان های بین المللی وابسته به سازمان ملل در باره شکاف فزاینده بین سطوح زندگی کشورهای پیشرفته و عقب مانده و بیچارگی اکثریت ملل این کشور ها آمار فراوانی جمع آوری کردند

و انتشار دادند. و رسانه های گروهی (۳) تقریباً همه مردم کشورهای پیشرفته را نسبت به واقعیات تلخ فوق آگاه کردند.

لیکن، اینها موجب نشده اند که مردم دست از آنچه که دارند بردارند یا برای تجارت با کشورهای عقب مانده شرایط بهتری را قبول کنند. این يك حقیقت است که تا بحال، هیچ کشور غربی پیشرفته ای درباره کمک به کشورهای عقب مانده فداکاری نکرده است. و دیگر اینکه اینها، بطور کلی حاضر نشده اند حتی از امتیاز های کوچک تجاری، که در دراز مدت، بتفشان نیاشد چشم ببوشند. رویدادها در جهتی نبوده اند که حاکی از تمایل بیشتر کشورهای پیشرفته در کمک به کشورهای عقب مانده باشند. چنانکه در فصل بعد خواهیم گفت کمکی که به این کشورها می شود نه تنها در دوره دهه توسعه ثابت مانده، بلکه در واقع در قیاس با توانایی بیشتر کشورهای پیشرفته در اعطای کمک، کاهش یافته است. در ضمن، «کیفیت» کمک از بسیاری جنبه ها زوال پذیرفته است.

مقامات دولتی کشورهای پیشرفته غربی در موقع بحث اعطای کمک های کوچک به کشورهای عقب مانده، اغلب در مقابل مجالس و مردم بی میل خود چنین استدلال می کنند که این کمک ها اصولاً خرج زیادی بر نمی دارند و پولی که در این راه خرج می شود به نفع کسب و کار و تجارت خود این کشورهاست. این

استدلالی است که بیشتر مورد استفاده دولت آمریکا قرار می‌گیرد ولی چنانکه خواهیم گفت به آنجا محدود نمی‌شود.

صاحب نظران میدانند که کشور های پیشرفته میلی به این امر ندارند که اقدامی جدی در جهت خنثی کردن نیروهای بازار در زمینه های تجارت و نقل و انتقالات سرمایه بعمل آورند و باعث نشوند که این نیروها برخلاف آنچه که در دوران استعمار و بعد از استعمار کرده‌اند، کشور های عقب مانده را گمکان در فقر نگهدارند. و میدانیم که اینها عمل خنثی کردن فوق را انجام نمی‌دهند، چه برسد باینکه با لغو سیاستهای تجاری تقویت کننده نیروهای بازار، خواسته باشند اقدام مهمتری انجام دهند.

این عمل دولتهای کشور های پیشرفته، و در پشت آن، طرز تفکر و احساس مردم این کشورها بعینه با عوامل مشابه در زمینه جنگ و صلح مشابه است.

از هر نماینده‌ای که در مجامع بین‌المللی فرصت صحبت کردن می‌یابد - و هر روزنامه نگاری که برای یک روزنامه سرمایه‌مینیوس انتظار می‌رود که با اندوه فراوان در باره این فاجعه‌ایکه اگر مسابقه تسلیحاتی بین دو ابر قدرت متوقف نشود بشریت به نابودی تهدید میشود سخن بگوید.

لیکن، این مسابقه متوقف شده و همچنان دارد بر شدتش افزوده می‌شود. نتایجی که پس از مدتها عقب افتادگی از گفتگوها گرفته می‌شوند اصلا وافی بمقصود نیستند. اینها را اغلب برای آرام کردن مردم نگران جهان و برای اینکه بگویند دارند برای احتراز از یک فاجعه بزرگ بعمل می‌آورند، ترتیب می‌دهند.

حقیقت اینستکه تعداد کمی از کشور ها نگران این موضوع هستند. و مردم هم زیاد بدنبال خلق سلاح بین‌المللی نیستند. سازمان های صلح در تمام کشور ها، بخصوص در دو کشوری که عاملان اصلی مسابقات تسلیحاتی هستند، بسیار ضعیفند. ولی بر عکس در همه کشور ها گروههای ناسیونالیستی بسیار قوی دولتها را از کاهش قدرت تسلیحاتی منع

کرده‌اند.

و مجتمع های نظامی - صنعتی بعزت منافع ریشه دار خود در مقابل هرگونه اقدام جدی برای خاتمه مسابقه تسلیحاتی مقاومت می‌ورزند - بخصوص اینکه در این اواخر پای دانشگاههای بسیاری نیز بهیمن کشیده شده است و مجتمع های فوق بصورت مجتمع های نظامی - صنعتی - فرهنگی (۴) درآمده‌اند. در بعضی از دوزن ها این مجتمع ها کنترل دولت را در ایالات متحده در دست گرفته‌اند.

دلیلی در دست نیست معنفد باشیم که وضع در روسیه شوروی تفاوت زیادی داشته باشد. در واقع در تمام کشور ها، بزرگ و کوچک، غنی و فقیر وضع یکسان است. ما در فضایی از تساهل کامل در مقابل یک خطر جدی زندگی می‌کنیم و برای جلوگیری از آن هم گردهم نمی‌آیم. در زمینه کمک به کشور های عقب مانده و همچنین سیاستهای تجاری و مالی نیز در کشور های پیشرفته آشننگی های نوری و عاطفی مشابهی بچشم می‌خورند. این آشننگی از وجود دو عقیده ناسازگار در اذهان مردم بوجود آمده است. یکی از این دو عقیده آگاهی از فقر کاملا شدید نوده های کشورهای عقب مانده و احتیاج آنها به کمک در مقیاس وسیع و دیگری بیمیلی خود خواهانه در مقابل اعطای کمک به آنهاست.

این موجب می‌شود که مردم درست با واقعیت ها کنار نیایند و حقایق را در جهات فرصت طلبانه قلب کنند. بعبارت دیگر از واقعیت چنان برداشت های تعصب آلودی بعمل آورند که ناسازگاری دو عقیده فوق آشکار نشود.

چون فقر کشورهای عقب مانده را نمی‌توان با جادو و جنبل از بین برد، بنابراین خواننده باید انتظار داشته باشد که برای زیادت تر نشان دادن حجم کمک ها در آمار مربوط به آنها، دستکارهای فراوانی انجام دهند. در واقع، این درست همان کاری است که دارد انجام می‌شود. بهمین دلیل لازم می‌دانم که درباره آرقامی که در هر دوی نوشته‌های علمی و عامه می‌آیند و مورد استناد قرار می‌گیرند بحث کنم.

بهر است نظری به آمار کمیته کمک به

توسعه (۵) (داک) بیندازیم.

سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (۶) که مرکز آن در پاریس است در عمل تمام کشور های غنی و پیشرفته غیر کمونیست را در بر می‌گیرد. یکی از موسسات وابسته به این سازمان، کمیته کمک به توسعه (داک) است. آماریکه پس از جمع آوری کشورهای عضو و «تجدید نظر» مقامات این کشورها، بتوسط کمیته مزبور عرضه می‌شود منبع اصلی اطلاعات مربوط به کمک هاست و همه از آن بعنوان یک سند معتبر استفاده بعمل می‌آورند. این آمار را اقتصاد دان ها و محققان دیگر مسائل توسعه، مقامات، سیاستمداران، مولفان کتاب ها و مقالات معروف، روزنامه نگاران و غیرو و همچنین دبیرخانه های سازمان های بین‌المللی، و گروههای متخصص موقت بدون مطالعه دقیق و دید اقتصادی بکار می‌بندند.

اولین نکته‌ای که مورد توجه قرار می‌گیرد اینستکه دبیرخانه داک در عنوان جدول خود از واژه «جریانات منابع مالی» استفاده می‌برد. ظاهرا این واژه بدین منظور بکار گرفته می‌شود که همه اعلامی که عاملی از کمک را به همراه دارند بویژه سرمایه گذارهای خصوصی و اعتبارات، در نظر گرفته شوند. این نکته که آمار داک تمام انواع «جریانات» (۷) چه ماهیت کمک را داشته باشند و چه نداشته باشند را شامل می‌شوند، مورد توجه استفاده کنندگان این ارقام در سن تاسردنیاه قرار نمی‌گیرد.

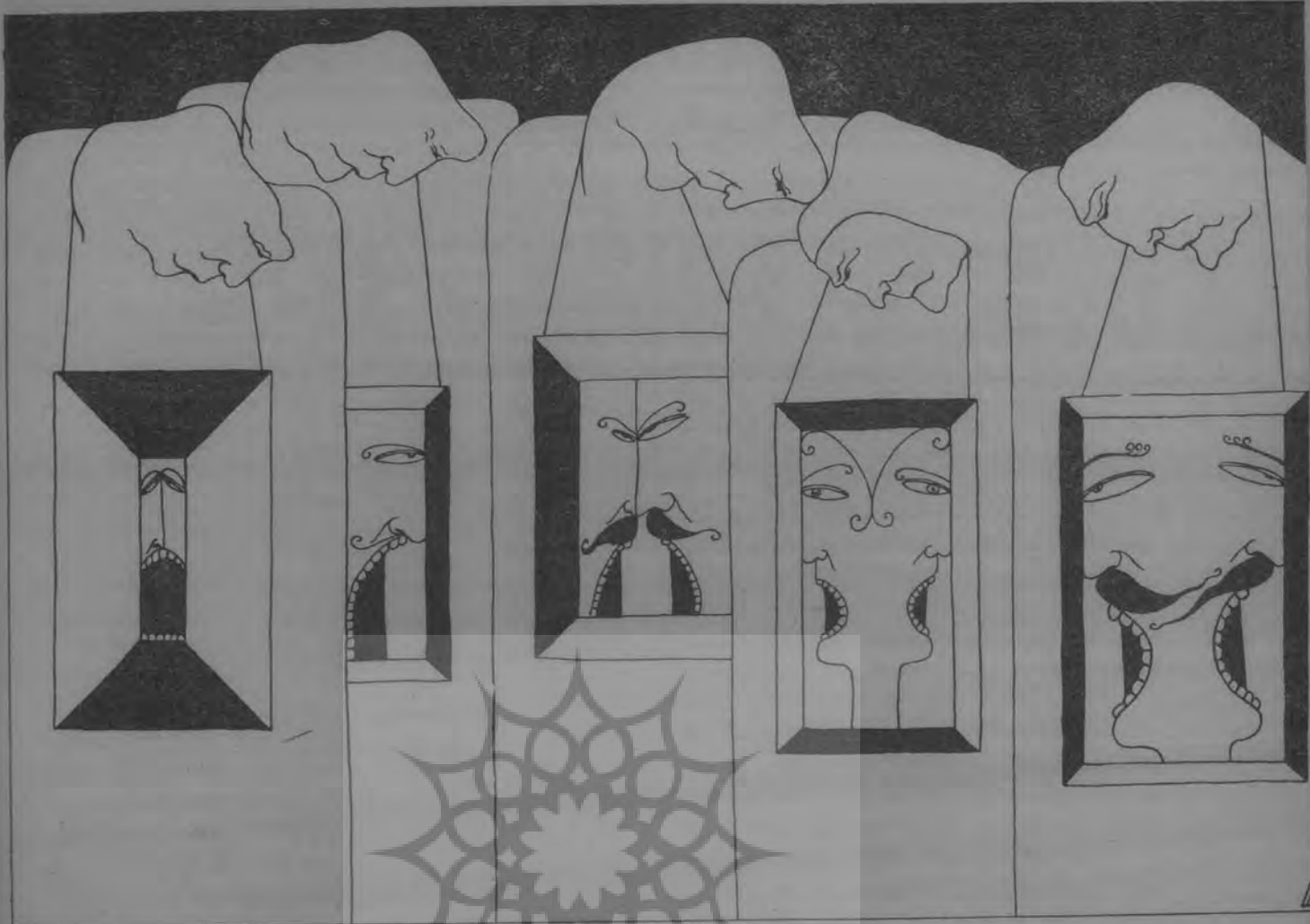
چنانکه در عبارت اول این بخش گفتیم، نام موسسه تهیه کننده این آمار کمیته کمک به توسعه (داک) است. بنابراین طبیعی است که در چنین کمیته‌ای تمام «جریانات»، «کمک های مربوط به توسعه» یا «کمک های توسعه» فلمداد شوند. این دگرگونی فقط محدود به نوشته های عامه پسندی سیاسی و اطلاعیه ها نیست، در کار های علمی و تحقیقات نیز چنین می‌شود. دبیرخانه داک هیچ اقدامی برای جلوگیری از این سوءاستفاده فرصت طلبانه از ارقام بعمل نیاورده که هیچ، خود نیز از طریق عناوین جداول و تفسیرهای که بر این جداول می‌کند وضع را بدتر کرده است.

موقمی که داک در ۱۰ ژوئیه سال ۱۹۶۹ گزارش داد که در سال ۱۹۶۸ «جریانات» سرازیر شده به کشور های عقب مانده تقریبا به ۱۲ میلیارد دلار بالغ شده است. این بطور تلویحی بدان معنا بود که از «جریانات رسمی» (۸) کاسته و بر «جریانات خصوصی» (۹) افزوده شده است و حتی در تمام دنیا این رویدادها را بفال نیک تر گفتند و معتقد شدند که میزان «کمک ها» دارد دوباره زیاده می‌شود.

ولی باید سؤال شود که آیا عمل دبیرخانه داک در مورد افزودن «جریانات خصوصی» به «جریانات رسمی» برآستی برای روشن کردن مسائل و از روی درستی صورت می‌پذیرد. «جریانات خصوصی» شامل فعالیت های مالی گوناگونی است که از سرمایه گذاری مستقیم شرکت های غربی (آنطور که اغلب باقیمت های ساختگی (۱۰) به دولتهای خود گزارش می‌دهند) شروع می‌شود و به اعتبارات صادراتی ختم می‌گردد.

در واقع، افزایش اخیر «جریانات خصوصی» تا اندازه زیادی به افزایش ۸۰۰ میلیون دلاری اعتبارات صادراتی مربوط بود. این اعتبارات غالبا بر آن تمام می‌شوند و اغلب به کشور های عقب مانده می‌روند که هم اکنون زیر بار پرداخت های اصل و فرع اعتبارات قبلی دچار نفس تنگی شده‌اند. بسطلاوه بسیاری از این کشور ها دچار مشکلات مالی اند و باینگونه اعتبارات نیازهای شدیدی دارند. بنابراین مجبورند که این اعتبارات را قبول کنند و برای وارداتی که به اعتبارات فوق بنحوی از انحاء متصل شده‌اند قیمت گزانی بپردازند و این بگمان من نوعی استثمار است.

در شورای وزیران سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه، که در فوریه ۱۹۶۹، درباره «روابط با کشور های در حال توسعه» تشکیل شد وزیر صنایع سوئد، کریستر ویگن (۱۱) گفت که مفهوم جریان مرکب (۱۲) فوق، معیار بسیار بدی برای ارزیابی فداکاریهای مالی ما در مورد توسعه دادن جهان سوم است. این مفهوم ماملاتی را نیز در بر می‌گیرد که وقتی بین کشور های پیشرفته



بعمل آید ، کمک خوانده نمیشوند. لازم است که بین کمک ها برای توسعه و جریانات دیگر سرمایه تمیزی قابل شویم .

لیکن ، علاوه بر عیب فوق ، در آمار داک درباره «جریانات خصوصی» عیب های اساسی دیگری نیز وجود دارند . یکی اینکه ، این آمار را بصورت «ارقام خالص» (۱۳) نشان می دهند ، در صورتیکه از جریانات بازگشتی (۱۴) تنها هزینه های استهلاک وامهای بزرگ و سرمایه های خارج شده ( بازهم آنطور که به دولتهای پیشرفته گزارش می شوند) هستند که مورد نظر قرار می گیرند .

بهره ها ، و پولهای که بابت جوازه ها و پروانه ها پرداخت میگردند و بخصوص منافعی که از کشور های عقب مانده بیرون برده میشوند در جریانات بازگشتی منظور نمی شوند ، در صورتیکه منافع دو باره سرمایه گذاری شده را جزو

جریانات ورودی منظور می کنند . این دو نوع منافع ، بخصوص وقتی که از سرمایه گذارهای دوران گذشته و با شرایط استقمارتی غیر قابل تحمل واسف باری حاصل آمده باشند بطور افرات آمیزی بالا هستند .

دیگر اینکه سرمایه هائی که افراد مقیم کشور های پیشرفته بخارج می فرستند - واغلب سرمایه های فراری هستند - در نظر نمی گیرند . بخصوص در آمریکای لاتین هر دو نوع «جریان خروجی خصوصی» که در آمار دبیرخانه داک نمی آیند ، سر باسمان میزنند .

ویگن با توجه به مطالب بالا ، به انتقاد های خود ادامه داد :

.. واضح است که مفهوم خالص (۱۵) مورد استفاده با ارقام خالص یکسان نیستند . در سال ۱۹۶۷ ، آمار داک برای جریانات «خالص» منابع «ارسمی»

و «خصوصی» [ از کشور های عضو داک ۱۱ میلیارد دلار بود . این رقم را می توان با رقمی که دبیرکل سازمان ملل متحد برای کل جریانات خالص ورودی منابع

به کشور های در حال توسعه ارائه داده است مقایسه نمود . این رقم که بر اساس آمار صندوق بین المللی پول بدست آمده است ۳ میلیارد دلار است ... با در نظر گرفتن اشتباهات و حذفیات ، فواصل زمانی ، و جز آن ، دلیل اصلی این [اختلاف] در اینستکه ارقام داک بطور کامل جریانات بازگشتی به کشورهای عضو از کشور های کمتر توسعه یافته را ملحوظ نمی دارند .

اگر بعضی از اعضای داک مطالعه بیشتری بعمل آورند ، متوجه خواهند شد که تراز پرداخت های آنها با کشورهای جهان سوم دارای مازاد (۱۶) است .

ولی «مطالعه بیشتر» درست چیزی است که مردم کشور های

پیشرفته از انجامش آگراه دارند . ویگن این تمایلات فرصت طلبانه و نتایج آنها را نیز در نظر دارد : این خطر ... که اعضای سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه بعلت مشکلات داخلی خود ، به مسائل جهان سوم توجه کافی مبذول ندارند بسیار آشکار است . زیادتیر نشان دادن ارقام کمک ها بعنوان ترمزی بر روی توسعه برنامه کمک ها عمل می کند . بنابراین ضروری است که عامه مردم و قانونگذاران ممالک ما در باره میزان کمک های ما به کشور های در حال توسعه اطلاعات صحیحی داشته باشند .

و برآستی باید امیدوار بود که سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه ، و بخصوص داک حل مسئله را بعهده بگیرد .

لیکن ، این امیدی است که احتمال بوقوع پیوستنش کم است

(یادداشت دبیرخانه داک) در بقیه در صفحه ۶۳



## يك مصاحبه مهم و تاريخي (بقيه)

آيا اين فعاليتها منعكس می- گردد و يا در پشت پرده صورت ميگيرد ؟  
شاهنشاه : حقيقت ندارد ما گرومن را نخريده ايم . ما فقط به آنها وام داده ايم ستوال ميكنيد چرا ؟ بايد بگويم زيرا كه ما از آنها هوايما خريداري ميكنيم . ما مايل هستيم كه گرومن به توليد خود ادامه دهد و اين يك قسمت

از سياست دفاعي ما را تشكيل ميدهد .  
اشيگل : در مورد بان امريكن چطور ؟  
شاهنشاه : مسئله خريدن بان امريكن مطرح نيست ، بلکه منظور حفظ منافع مشترك است و اينكه يك شركت ، مسافر شركت ديگر را از دستش بيرون نياورد .  
اشيگل : هفته گذشته فاش

شد كه شما ، فروند هوايماي كنگورد سفارش داده ايد اين خبر براي انگليسا غير مترقبه بود .  
شاهنشاه : اين امر حقيقت ندارد .  
اشيگل : چند فروند هوايما سفارش داده ايد ؟  
شاهنشاه : دو فروند اما امتياز خريد يك فروند ديگر را نيز داريم .  
اشيگل : شما ميدانيد كه هنوز مسائل حل نشده اي يا كمرك كشورهاي بازار مشترك وجود دارد .

شاهنشاه : اين مشكلات راشما بايد در ميان سازمانهاي خود حل كنيد .  
كشورمن در آينده روش سخت تری در مقابل بازار مشترك اتخاذ خواهد كرد . زيرا ما حق داريم كه امتياز خاصي خواستار شويم . زيرا ما در سالهاي آينده ۵۰ درصد گاز اروپا را تسليم خواهيم كرد . سرنوشت اروپا به سرنوشت كشورمن بستگی دارد و برعكس .

## ظهور آدم (بقيه)

سابقه ای بود ، هياكلی درتاریکی بطرف ماشين می دوید ، خدایا چه شده ...  
دو سه قدم رفتم و بعد شروع به دویدن كردم جمعیت از هر طرف می دوید صداهای دردم شنیده می شد ماشين ایستاده بود و عده ای جلوش بودند جمعیترا عقب زدیم . خدای من بند آتش خانه بریده و واگن دوی زمین يكبر افتاده بود ... صدای فریاد وضحه گوش را كرمی كرد ديگر نمی توانستم تامل كنم ، میدویدم و انگار سایه ای هراس انگیز پدنبالم بود ، تا کنار گيودال دویدم ... نمی خواستم فریادی بشنوم . من با همه وجودم بعد از آنهمه عياهو آرزومند سكوت بودم و گودال مثل گوری بزرگ زیر نور ماه سینه بهنشی را برای من باز کرده بود ، همردم و آسوده می شدم حتی اگر در آب گندیدم بطرف سرازیری راهی كه بسیلاب می رفت ، رفتم اطاق خرابه ای سست چپ سرازیری بود كه طاق نداشت ، سه جرز بهن خستی از آن بجا مانده بود از سه گوشه پای جرز صدائی آمد ، مثل صدای يك توله ، بی اختیار ایستادم

و هماندم از خودم لجم گرفت علی رغم بيزاريم بهر صدای ناچيزی گوش میدادم .  
صدا دوباره آمد بی اختيار بطرف جرز رفتم و باطاق خرابه پیچیدم ، پای جرز جسم سفید رنگ کوچکی دول می خورد خم شدم ، تکه ابری از بالای سرم رد شد ، نورماه عمود به بدنم جرز تابید بچه چند روزهای لای يك تکه كهنه دست و پاچیزد .  
نگاهش كردم ، نفرت ... نفرت از هر چه جاندار است تنم را لرزاند دوباره از اطاق خرابه بیرون آمدم و بطرف سيلاب برگشتم ... يك قدم ، دو قدم ، گوش دادم ، صدائی نیامد قدم ديگري برداشتم فریاد بچه بلند شد ، انگار مرا میدید ، برگشتم و باطاق خرابه رفتم ، بلندش كردم ، كهنه اش را پاره كردم او آنرا دور انداختم لای چادرم پیچیدمش صورت گرد و سفید و چشمان قهوه ای رنگ داشت ، سرش از پلوشن تیره ای پوشیده بود و هیچ میلی در تنش دیده نمی شد پسر سه چهار روزه سالمی بود ، مثل يك مادر با احساس خوشبختی از ترحم و مسئولیت بغلش كردم و با هم بخانه برگشتیم .

## ترندهائی (بقيه)

جواب به اتهامات ويگمن بخوبی دلايل سياستهای دلك را روشن ساخته است . استدلال های كميت به سه فقره خلاصه می شوند .  
اول اينكه دولتهای عضو نمیخواهند روش كار خود را تغيير دهند ، دوم ، آمار مربوط به جريانات بازشكستی ، سوای آنچه بحساب آمده اند ، ضعيف اند و تفسيرشان مشكل است : سوم ، جريانات خروجی منافع وسرمایهها «صرفا مسئله خود کشور های در حال توسعه است»  
از آنچه كه گفته ايم نلویجا چنین برمی آید كه آمار دلك ، كه همه جا بعنوان ارقام معتبر نقل می شوند ، این مسئله را كاملا حل نشده باقی می نذارند كه كل جريانات خالص خصوصی منابع از كشور های پیشرفته به كشور های عقب مانده چقدر اند ، و در واقع ، اصولا برای بسيازای از کشور های عقب مانده ،

## رویدادها (بقيه)

گالری سولیوان  
بيستم بهمن نمايشگاه مجسمه های محمد فرود نيا ، درنگارخانه سولیوان افتتاح شد ، این نمايشگاه تا پنجم اسفند دایر خواهد بود .  
موسیقی  
پنجم اسفند ، برنامه ای در زمینه موسیقی ایرانی ، توسط دكرداریوش صفوت ، و گروه موسیقی دانشكده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ، اجرا خواهد شد .

چنین جريانات خالصی وجود دارند يا اينكه بكمس جريان خروجی است .

- 1— Theme
- 2— Great Society
- 3— Mass Media
- 4— Military Industrial — Academic Complex.
- 5— Development Assistance Committee.
- 6— Organization for Economic Co-operation and Development.
- 7— Flows.
- 8— Official flows.
- 9— Private flows
- 10— Padded Prices
- 11— Krister Wickmon
- 12— Composite - flow Concept.
- 13— Net Values.
- 14— Back flows.
- 15— Net concept.
- 16— Sorplus.

## انجمن ادبی کمال

انجمن ادبی کمال از انجمن های فعال و آبرومند پایتخت است و تا بحال کارنامه پر بار و پر ثمری داشته است .  
در جلسات این انجمن كه هر دو هفته يكبار در تالار كتابخانه بارك شهر برگزار می شود صاحب نظران و نویسندگان برجسته معاصر خطابه های در باره موضوعات ادبی زنده روز ایراد می كنند و شاعران نیز تازه ترین آثار خود را میخوانند .

## مسعود دیگرنگی

## مشق اشرفیت

نوشته : محمود دژكام

منتشر شد

كلی فروشی انتشارات رگبار امروز خيابان نادری گالری گلشن اتاق ۵۵ تكفروشی كتابفروشی جیبی خيابان نادری جنب هتل نادری كتابفروشی اميركبير ابتدای خيابان نادری